

کشاورزی ایران در بستر جهانی شدن (چالشها و فرصتها)

سید نبی حسینی

چکیده

امروزه یکی از مسایل مهم، جهانی شدن و پیامدهای آن بر بخشهای گوناگون اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات) است. این پدیده، در مقیاس بین المللی و ملی، چالشها و فرصتهایی برای بخشهای گوناگون اقتصادی پدید آورده است که برای کشورهای توسعه یافته و در راه توسعه یکسان نیست. در این نوشتار، با پرداختن به پدیده جهانی شدن اقتصاد، شرکتهای چند ملیتی (کارگردانان اصلی روند جهانی شدن اقتصاد)، سرمایه گذاری (ابزار اصلی این شرکتها)، سازمان بازرگانی جهانی (نیرومندترین نهاد در روند جهانی شدن اقتصاد) و بستر فراهم شده در این روند، به بخش کشاورزی می پردازیم و چالشها و فرصتهای فراروی این بخش در بستر جهانی شدن اقتصاد را بررسی می کنیم. در پایان، راهکارهای بایسته برای رشد پایدار بخش کشاورزی پیشنهاد می شود.

درآمد:

درازنای تاریخ به اندازه های جهانی و در دسترس در پهنه جهانی دگرگون شده است. این فرایند، به دو نشانه، از دهه ۱۹۸۰ شتاب ناگهانی گرفت: نخست آن که انقلاب انفورماتیک که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده، امروزه کم و بیش سراسر جهان را در نور دیده است؛ بویژه در زمینه اقتصادی، در برابر پدیده تازه یی به نام بازرگانی الکترونیک هستیم که برای نخستین بار در ۱۹۹۶ پدیدار شد و در سایه آن، گردش سرمایه سخت افزایش یافت و در مکانیزم بازار، تندی و شتاب بیشتری پدید آورد. دو دیگر، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک خاوری و به دنبال آن سیاستهای آزادسازی و خصوصی سازی در دهه ۱۹۸۰ کشورها را در سراسر جهان (مستقیم و غیر

از دید کاربردی تعاریفی چند از جهانی شدن شده است. مارتین آلبرو^۱ می گوید جهانی شدن اشاره به همه فرایندهایی دارد که بر پایه آن، همه جهانیان در یک جامعه فراگیر به هم می پیوندند. امانوئل ریشت^۲ جهانی شدن را شکل گیری شبکه ای جهانی می داند که در آن جوامعی که پیش از این دور افتاده و گوشه گیر بوده اند، بر پایه وابستگی متقابل به هم می پیوندند و به گفته شوا^۳، جهانی شدن بسته یی پیچیده از فرایندهایی جداگانه، ولی به هم پیوسته اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و همچنین سیاسی و نظامی است که مناسبات اجتماعی از راه آنها در

به ۲۳۱ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۰، به ۱۴۰۰ میلیارد دلار و در ۲۰۰۷ به ۱۵۳۸ میلیارد دلار افزایش یافته است. ولی، همگرایی نیروی کار چندان مناسب دیده نمی‌شود. آنچه بیش از هر چیز از همگرایی در بازار کار جلوگیری می‌کند، عواملی چون سیاستهای مهاجرتی، زبان، فرهنگ و بویژه تنگناهایی است که از سوی کشورهای پیشرفته صنعتی و دارنده سرمایه کلان پدید آمده است. اگر این تنگناها از میان برداشته شود، این نیروی کار است که به سوی سرمایه به راه می‌افتد و سرمایه پویایی خود را در این زمینه از دست خواهد داد و انباشت سرمایه و سامانه سرمایه‌داری پیشرفته صنعتی، دستخوش بحران خواهد شد؛ چه بسا کار به فروپاشی سامانه سرمایه‌داری پیشرفته صنعتی نیز کشیده شود. البته، در این شرایط، همگرایی و تحرک آزاد در بازار کار، به سود کشورهای در راه توسعه خواهد بود، ولی امروزه آنچه می‌بینیم، کوچ‌گزینی از کشورهای در راه توسعه به کشورهای پیشرفته صنعتی است؛ روندی که

مستقیم)، سخت در تیررس اقتصاد بازار آزاد (سرمایه‌داری) گذاشت. البته، دیگر مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هم دستخوش دگرگونی شد. به گونه‌ی که آمارها نشان می‌دهد^۵، از جمعیت جهان، شمار کسانی که در کشورهای دارای سامانه سرمایه‌داری به سر می‌برند، از ۲۰ درصد در دهه ۱۹۷۰ به بیش از ۹۰ درصد پس از این دور خدادرسیده و این روند، يك حوزه همگرایی در بینه جهانی پدید آورده که نشانه جهانی شدن اقتصاد شناخته شده است.

بازشناسی جهانی شدن اقتصاد:^۶

جهانی شدن اقتصاد به مفهوم^۷ همگرایی و یکپارچگی بازارهای کالا و خدمات، سرمایه و تحرک نیروی کار در حوزه یاد شده در بالا است. این همگرایی، یا جهانی شدن اقتصاد،^۸ به افزایش وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر که برآمده از آمیزش و پیوستگی اقتصادی بیشتر آنها از راه بازرگانی، سرمایه‌گذاری خارجی، کمکهای خارجی و مهاجرت بین‌المللی است، اشاره دارد. امروزه جابه‌جایی بسیار گسترده کالاها و خدمات و سرمایه در سطوح ملی و بین‌المللی چشمگیر است، به گونه‌ی که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۴^۹ بازرگانی جهانی ۱۵ برابر شده، ولی در همین سالها اندازه تولید جهانی به پنج برابر رسیده است. در پایان سده بیستم میلادی، ارزش کالاهای فرستاده شده به بازارهای جهانی به ۲۸۵۲ میلیارد دلار سرزده است. رشد چشمگیر بازرگانی، در سنجش بارشد تولید جهانی، گویای این است که بخش بزرگتری از تولیدات در جهان دادوستد می‌شود، که نشان‌دهنده یکی از سنج‌های همگرایی در بازار تولیدات است. از سوی دیگر، همگرایی در بازار سرمایه هم دیده می‌شود، به گونه‌ی که^{۱۰} از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰ میانگین افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، سالانه ۱۳ درصد بوده و در ۱۹۸۲ به ۵۹ میلیارد دلار رسیده است. این روند، پس از باگرفتن سازمان بازرگانی جهانی (W.T.O.) شتاب بیشتری یافته به گونه‌ی که در ۱۹۹۵ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

○ آنچه بیش از هر چیز از همگرایی در بازار کار جلوگیری می‌کند، عواملی چون سیاستهای مهاجرتی، زبان، فرهنگ و بویژه تنگناهایی است که از سوی کشورهای پیشرفته صنعتی و دارنده سرمایه کلان پدید آمده است. اگر این تنگناها از میان برداشته شود، این نیروی کار است که به سوی سرمایه به راه می‌افتد و سرمایه پویایی خود را در این زمینه از دست خواهد داد و انباشت سرمایه و سامانه سرمایه‌داری پیشرفته صنعتی، دستخوش بحران خواهد شد؛ چه بسا کار به فروپاشی سامانه سرمایه‌داری پیشرفته صنعتی نیز کشیده شود.

روند شکاف ژرف میان کشورهای در راه توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی را فراختر کرده، همگرایی در بازار کار را با چالشهای بسیار روبه‌رو ساخته و دشواریهای گوناگون در راه پیشرفت کشورهای رو به توسعه پدید آورده است. از آنجا که روند جهانی شدن اقتصاد از کشورهای پیشرفته صنعتی^{۱۵} مایه می‌گیرد، اقتصاد این کشورها، محور و هدایت کننده دگر گونیها در سطح بین الملل است و اقتصاد کشورهای در راه توسعه را به صورت پیرو، به دنبال خود می‌کشد. از همین رو، کشورهای پیشرفته صنعتی می‌توانند از جابه‌جایی آزاد نیروی کار جلوگیری کنند. بدین سان، مزایای جهانی شدن اقتصاد، با منافع کشورهای پیشرفته صنعتی هماهنگ است و از آنجا که سود برآمده از این روند، عادلانه پخش نمی‌شود، کشورهای در راه توسعه با چالشهایی مانند نابرابری اجتماعی، ناداری، توسعه به زبان حقوق انسانی تبارهای آینده، ناکامی در رسیدن به توسعه پایدار و... روبه‌رویند. امروزه، بیش از یک میلیارد^{۱۶} تن در جهان با تنگدستی زندگی می‌کنند، بیش از^{۱۷} هشتصد میلیون تن از گرسنگی و بدی تغذیه رنج می‌برند، دو میلیارد تن دستیابی به برق ندارند. از سویی، یک پنجم مردمان جهان که در کشورهایی با بیشترین درآمد زندگی می‌کنند، ۸۶ درصد تولید ناخالص داخلی (G.D.P.)، ۸۲ درصد صادرات جهان، ۶۸ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ۷۴ درصد خطوط تلفن جهان را در دست دارند و از سوی دیگر، یک پنجم از تهیدست‌ترین کشورها، تنها از یک درصد سنجه‌های یاد شده بهره‌مندند.

این وضع در سایه گردانندگان اصلی چرخه جهانی شدن یا کشورهای پیشرفته صنعتی و شرکتهای چندملیتی پدید آمده است.

شرکتهای چند ملیتی^{۱۸}:

کارکرد این شرکتهار که صحنه گردان اصلی روند جهانی شدن (جهانی سازی) اقتصادند، در همه زمینه‌ها و جای جای جهان می‌توان دید. دامنه این شرکتهای، اکنون

○ کوچ مغزها از کشورهای در راه توسعه، زیانهای جبران ناپذیر به این کشورها زده و فرایند توسعه یافتگی آنها را با دشواریهای بسیار روبه‌رو کرده است. برای نمونه، بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی مهاجرت، تنها از ایران، دانش‌آموختگان و متخصصانی به ارزش برآوردی ده میلیارد دلار در سال کوچ می‌کنند؛ سرمایه‌هایی که برای پرورش آنها میلیاردها دلار هزینه شده است و احتمال بازگشتشان به کشور یا وجود ندارد یا بسیار اندک است. دیگر کشورهای در راه توسعه نیز، در این زمینه سرگذشتی کمابیش چون ایران دارند.

بی‌گمان به زیان کشورهای در راه توسعه است، زیرا آمارهای مهاجرت^{۱۳} از کشورهای در راه توسعه به کشورهای پیشرفته صنعتی، نشانگر آن است که کارگرانی که از این کشورها به کشورهای پیشرفته صنعتی کوچ می‌کنند، در رده بالایی از مهارت و دانش هستند. به هر رو، این روند ناهمسنجی و ناهماهنگیهای در پهنه جهانی به زیان کشورهای در راه توسعه پدید آورده است.

کوچ مغزها از کشورهای در راه توسعه، زیانهای جبران ناپذیر به این کشورها زده و فرایند توسعه یافتگی آنها را با دشواریهای بسیار روبه‌رو کرده است. برای نمونه، بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی مهاجرت^{۱۴}، تنها از ایران، دانش‌آموختگان و متخصصانی به ارزش برآوردی ده میلیارد دلار در سال کوچ می‌کنند؛ سرمایه‌هایی که برای پرورش آنها میلیاردها دلار هزینه شده است و احتمال بازگشتشان به کشور یا وجود ندارد یا بسیار اندک است. دیگر کشورهای در راه توسعه نیز، در این زمینه سرگذشتی کمابیش چون ایران دارند. این

جنوب منتقل می‌کنند و از این راه نیز بر بازار کار در جهان اثر می‌گذارند. این شرکتها به گونه^{۲۳} مستقیم ۳ درصد نیروی کار جهان را در اختیار دارند که نزدیک به ۲/۳ این نیروها در شرکتهای مادر که بیشتر در کشورهای پیشرفته صنعتی گرد آمده‌اند و دیگران در کشورهای در پیوند با آنها کار می‌کنند. این شرکتها ۲۰ درصد نیرو در بخش تولید در بسیاری از کشورهای روبه توسعه را به کار گرفته‌اند.

اقتصاددانان^{۲۴} بر این باورند که جهانی شدن اقتصاد با مدیریت شرکتهای چندملیتی، دشواریهایی به بار می‌آورد، از جمله اینکه چون بیشتر شرکتهای بزرگ بین‌المللی آمریکایی هستند، روند جهانی شدن به سوی آمریکایی شدن کشیده می‌شود^{۲۵}. برای نمونه، از ۷۵ شرکت تولیدی نامی جهان، ۴۲ شرکت آمریکایی است مانند کوکاکولا، مایکروسافت، ای‌بی‌ام، جنرال الکتریک، مک‌دونالد و... و بیشترین سرمایه‌ها را نیز شرکتها و بانکهای سرمایه‌گذار آمریکایی دارند. برای نمونه، در رده‌بندی^{۲۶} بانکهای بزرگ، جان گلدومن سافس با ۱۵۰۷ میلیارد دلار، مریل لینچ با ۱۱۴۴ میلیارد دلار، مورگان استانلی با ۱۰۶۹ میلیارد دلار قرار دارند و دارایی شرکتهای بین‌المللی کوکاکولا ۷۲/۵ میلیارد دلار، مایکروسافت ۷۰/۲ میلیارد دلار، ای‌بی‌ام

در برگیرنده ۶۳ هزار شرکت مادر و ۶۹ هزار شعبه خارجی در همه کشورهای و نیز در همه رشته‌های اقتصادی است. در شعبه‌های خارجی یکصد شرکت بزرگ چندملیتی، بیش از شش میلیون تن کار می‌کنند و فروش آنها به ۲ تریلیون دلار در سال می‌رسد. هم‌اکنون^{۱۱} دویست شرکت بزرگ ۲۸ درصد، ۵۰۰ شرکت بزرگ ۷۰ درصد و هزار شرکت ۸۰ درصد اقتصاد جهان تا دور افتاده‌ترین سرزمینها در دست دارند. برای نمونه، تولید شرکت جنرال موتورز به اندازه تولید ملی سنگاپور است. این شرکتها^{۲۰} در زمینه گسترش تولید و صادرات و خدمات در کشورهای میزبان بسیار کوشا هستند. آنها با بالا بردن تولیدات و سطح دادوستدهای کشور میزبان، آنرا آماده پیوستن به سامانه اقتصاد جهانی می‌کنند. از سوی دیگر، گفته می‌شود که این شرکتها کنشگری برجسته در جابه‌جایی توانمندیهای مدیریتی، سرمایه، فناوری و کالاها و مواد اولیه در پهنه بین‌الملل هستند و از این راه، از دید کاروری، به جهانی شدن اقتصاد کمک می‌کنند. در برابر چنین خدماتی که به کشور میزبان نیز وابسته است، این شرکتها می‌کوشند امکانات تولیدی را پیوسته جایی^{۲۱} و جابه‌جا کنند، از دادن دستمزد و رساندن سود چشمگیر به کارگران پرهیز کنند و مالیاتهای سنگین به کشور میزبان نپردازند. با چنین کارکردی، در بسیاری از کشورها، دستاورد دهها سال تلاش دولتها برای قانونمند ساختن روند باز توزیع درآمد و ثروت در جامعه از دست خواهد رفت. از سوی دیگر، شرکتهای چندملیتی که در جهانی کردن اقتصاد نقش محوری و بنیادی بازی می‌کنند، به جای کشورها و دولتها تصمیمگیری و تصمیم‌سازی می‌کنند و همه توان خود را^{۲۲} به کار می‌بندند که یکانهای زیر پوشش خود در سراسر جهان را همچون زنجیره‌ای به هم پیوسته و در هم تنیده بگردانند. برای رسیدن به این هدف، فعالیتهای خود را از کارخانه‌ها با دستمزدهای بالا در کشورهای پیشرفته صنعتی و شمالی به کارخانه‌هایی با دستمزدهای پایین در

○ مزایای جهانی شدن اقتصاد، با منافع کشورهای پیشرفته صنعتی هماهنگ است و از آنجا که سود برآمده از این روند، عادلانه پخش نمی‌شود، کشورهای در راه توسعه با چالشهایی مانند نابرابری اجتماعی، نداری، توسعه به زیان حقوق انسانی تبارهای آینده، ناکامی در رسیدن به توسعه پایدار و... روبه‌رویند.

کشورهای در راه توسعه - پدید آورده است. پیشرفت بیوتکنولوژی، به گونه‌هایی افزایش وابستگی کشاورزان به نهادهای کشاورزی و بازرگانی وابسته به این شرکتها را در پی داشته است: یکی اینکه، تبار نخست علف‌کُشها، پایداری حشرات را زیادتر کرده است و در نتیجه کشاورزان ناگزیر از خرید آفت‌کشها از همان شرکتهایی شده‌اند که بذرها را از آنها خریده‌اند. دوم اینکه، فناوری تولید بذرها اصلاح شده، وابستگی کشاورزی را بیشتر کرده زیرا این بذرها به گونه‌یی ساخته شده که توان رویش دوباره را از دست می‌دهد و کشاورزان ناگزیرند برای خرید بذرها در هر فصل کشاورزی، بار دیگر به شرکتهای آوری آورند. سوم اینکه، گسترش شرکتهای صنعتی تولیدکننده تخم گیاهان دارویی، وابستگی کشاورزان را به شرکتهای شیمیایی افزایش می‌دهد.

سرمایه‌گذاری خارجی:

شرکتهای چندملیتی به پشتوانه توانمندی اقتصادی خود، روند سرمایه‌گذاری خارجی را سمت و سو می‌دهند. امروزه، سرمایه‌گذاری خارجی^{۳۲} از اثرگذارترین عوامل بر روند جهانی شدن اقتصاد است،

○ از دشواریهایی که می‌تواند در سایه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی شرکتهای چندملیتی برای کشورهای در راه توسعه مانند ایران پیش آید، تک‌محصولی ماندن اقتصاد کشور است. برای نمونه، در ایران پس از تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، گرایش به سرمایه‌گذاری، بیشتر در بخش انرژی به چشم می‌خورد و بیشترین سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز صورت گرفته، که به معنای تک‌محصولی ماندن کشور ما است.

۵۳/۲ میلیارد دلار، جنرال الکتریک ۳۸/۱ میلیارد دلار و مک‌دونالد ۲۷/۹ میلیارد دلار است. این نهادهای آمریکایی، به گونه‌یی روند مالی بین‌المللی را هدایت می‌کنند و از اثرگذارترین بنگاههای اقتصادی در روند جهانی شدن هستند.

از سوی دیگر، این شرکتهای اثرگذارترین عامل نیز در روند اقتصادی کشورهای در راه توسعه، بویژه کشورهای تازه صنعتی شده مانند کره جنوبی، چین، سنگاپور و... به‌شمار می‌روند. آمارها نشان می‌دهد که ۲۷ در سال ۲۰۰۱، ۴۸ درصد صادرات چین از سوی شرکتهای خارجی بوده و در سنگاپور^{۲۸} شرکتهای چندملیتی ۷۵ درصد تولیدات صنعتی و ۹۵ درصد صادرات این کشور را در دست داشته‌اند. شرکتهای چندملیتی در همه زمینه‌های اقتصادی از صنعت گرفته تا خدمات و کشاورزی نقش بنیادی بازی می‌کنند. در پهنه کشاورزی^{۲۹} نقش این شرکتهای کلیدی است. به گونه‌یی که در ۱۹۵۰ که ارزش گل‌کالاهای کشاورزی جهان ۴۲۰ میلیارد دلار بوده، کشاورزان یک‌سوم این ارزش را تولید کرده‌اند و دو سوم دیگر از سوی شرکتهای چندملیتی فراوری و دادوستد شده است. بر پایه پژوهشی که به تازگی انجام شده، در ۲۰۲۸ ارزش تولیدات کشاورزی جهان ۱۰ تریلیون دلار خواهد بود که سهم کشاورزان به ۱۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد و مانده از سوی شرکتهای چندملیتی فراوری و دادوستد خواهد شد و همین، سایه‌افکنی شرکتهای چندملیتی را بر بازرگانی و فراوری کالاهای خوراکی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، هم‌اکنون پنج شرکت^{۳۰} Syngenta, Aventis, Dow, Dupont و Monsanto انحصار استراتژیک خود را بر تولیدات مواد شیمیایی، کشاورزی و بازارهای وابسته به آنها برقرار ساخته و نزدیک به دو سوم آفتکشها، یک‌چهارم^{۳۱} بازار بذرها معمولی و صددرصد بازار بذرها باژن‌پیوندار را در دست دارند. گذشته از آن، این شرکتهای بیش از ۵۰ درصد حقوق انحصاری بیوتکنولوژی را در دست دارند که چالشهایی برای کشاورزان - بویژه کشاورزان در

○ اگر ساختار اصلی تولیدات کشاورزی جهان در برگیرنده ۶۶ فرآورده (۴۱ فرآورده کشاورزی و ۲۵ فرآورده دامی) باشد، ایران در تولید یک سوم از شمار فرآورده‌های اصلی جهان، ردیف نخست تا دهم را دارد و در زمینه گونه‌گونی تولید فرآورده‌های باغی، پس از چین و آمریکا، همپای ترکیه، ردیف سوم را از آن خود کرده است. در زمینه صدور فرآورده‌های کشاورزی، ایران در صدر ده فرآورده رتبه نخست تا دهم جهان را دارد و نزدیک به ۸۵ درصد از گونه‌های میوه و تره‌بار جهان را می‌توان در ایران فرآوری کرد.

شرکتهای داخلی جلوگیری می‌کنند و باز با انداختن آنها، گند کننده رشد و توسعه این کشورها می‌شوند. از سوی دیگر، شاید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر منفی^{۳۷} بر تراز پرداختهای کشور میزبان داشته باشد. چنانچه تولید یکانهای زیر پوشش، نیازمند واردات کلان باشد و فزون بر آن، اگر این یکانها به جای بازارهای خارجی به بازارهای داخلی کشور میزبان وابسته باشد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ممکن است در بلندمدت پرهزینه از آب درآید، زیرا هر چه شمار این یکانهای زیر پوشش بیشتر شود، برگشت درآمدها و حق امتیازها برای شرکتهای چند ملیتی نیز افزایش می‌یابد. این به هم ریختگی تراز پرداختها، آثار خود را بر بودجه کشور میزبان می‌گذارد و کسری بودجه بیشتر را در پی دارد و چه بسا برآیند آن، افزایش قیمت‌های داخلی (تورم) و سپس گند شدن فرایند رشد و توسعه کشور میزبان باشد. از دشواریهایی که می‌تواند در سایه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی شرکتهای چند ملیتی برای کشورهای در راه توسعه مانند ایران پیش آید، تک محصولی مانند اقتصاد کشور است.^{۳۸}

در حالی که یکی از نیازهای بنیادی برای رشد اقتصادی کشورهای رو به توسعه نیز شمرده می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی که بیشتر از سوی شرکتهای چند ملیتی صورت می‌گیرد، دو گونه اصلی دارد: یکی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^{۳۳} و دیگر، سرمایه‌گذاری خارجی در سبد مالی (FPI)^{۳۴}. این شرکتهای با تأمین منابع، هدایت و مدیریت جریان سرمایه‌گذاری خارجی به بالا بردن توان تولیدی و دانش فنی کشور میزبان و افزایش صادرات آن کمک می‌کنند ولی از راه همچشمی با شرکتهای داخلی و... بر تراز پرداختهای کشور میزبان اثر منفی می‌گذارند و حثاروند توسعه کشور میزبان را در دست می‌گیرند. بر پایه آمارها^{۳۵}، سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید ناخالص داخلی کشورها، بیانگر این ظرفیت‌سازی است: برای کشور ما بسیار ناچیز، برای کره جنوبی ۰/۴۸، هند ۰/۷۳، چین ۳، انگلستان ۱۸/۵ و فنلاند ۳۵/۵ درصد. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مایه پدید آمدن خدماتی کناری در چارچوب جابه‌جایی فناوری و مهارت مدیریت می‌شود و گاهی، ممکن است دسترسی کشور میزبان را به بازارهای صادراتی^{۳۶} فراهم کند. در برابر این مزایا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند دشواریهایی نیز برای کشور میزبان به بار آورد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - که از سوی شرکتهای چند ملیتی مدیریت می‌شود - مایه از دست رفتن قدرت بازمینی و بازرسی تولید داخلی می‌شود و چه بسا زمام روند توسعه داخلی را از دست کشور میزبان می‌گیرد. از آنجا که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بخشهای ویژه‌ای متمرکز است، توسعه بخشهایی ویژه از تولید به گزینش طرفهای خارجی واگذار می‌شود، در حالی که چه بسا کشور میزبان برای رسیدن به توسعه، نیازمند پرداختن به بخشهای دیگری باشد. بدین سان، کشور میزبان بارشده و توسعه ناهمخوان در زمینه‌های گوناگون رو به رو می‌شود. شرکتهای چند ملیتی از راه رقابت و به خود کشیدن رقمهای هنگفتی از پس اندازهای داخلی، از کار

○ در دوران جهانی شدن اقتصاد و با بودن شرکتهای چندملیتی و W.T.O.، مکانیزه کردن کشاورزی در ایران اهمیت ویژه دارد. برای نمونه، اگر از سنجه شمار تراکتور در هزار هکتار زمین کشاورزی بگوییم که میانگین جهانی آن ۱۷/۹ دستگاه است، ایران برای هر هزار هکتار ۱۴/۱ دستگاه دارد و نروژ با ۱۴۸/۹ دستگاه بالاتر از دیگر کشورها است. آمارها نشانگر آن است که ۶۰ درصد تراکتورها و ۴۰ درصد کمباینها در بخش کشاورزی ایران، کارکردی بیش از ۱۳ سال دارد.

برای نمونه، در ایران پس از تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، گرایش به سرمایه‌گذاری، بیشتر در بخش انرژی به چشم می‌خورد و بیشترین سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز صورت گرفته، که به معنای تک محصولی ماندن کشور ما است.

سازمان بازرگانی جهانی (WTO):

همراه با گسترش زمینه کارکرد شرکتهای چندملیتی، هواداران این شرکتهای، یعنی کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه‌داری، از دیرباز کوشیده‌اند یک نهاد بین‌المللی در اندازند تا بتواند کارگزار رهپویی آزاد کالاهای، خدمات، سرمایه و نیروی کار باشد و آنرا مدیریت کند. نخستین تلاش در این زمینه^{۳۹}، برگزاری نشست ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل و با حضور نمایندگان کمابیش پنجاه کشور جهان در ژنو بود. هدف برگزارکنندگان این کنفرانس، توسعه اقتصادی کشورهای جهان از راه کاهش تنگناهای دولتها در زمینه بازرگانی خارجی بود که به جایی نرسید. زیرا، آشفتگی گسترده (رکود بزرگ) اقتصادی در دهه ۱۹۳۰ اروپا و

آمریکارا فرا گرفت و ناکارایی سامانه بازار را به رخ کشید و راه برو نرفت از این رکود، دخالت دولت در پهنه اقتصاد شناخته شد. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست آزادسازی در اقتصاد بین‌الملل دنبال شد و در ۱۹۴۵ به پیشنهاد دولت آمریکا، نشستی بین‌المللی برای پی‌ریزی سازمان بازرگانی بین‌المللی (ITO) برگزار شد ولی در سایه دیدگاههای گوناگون کشورهای شرکت‌کننده، بی‌سرانجام ماند. در ۱۹۴۷، چند کشور اروپای باختری پیشنهاد منشور بازرگانی جهانی را آماده کردند و به کنفرانس هاوانا در کوبا دادند که پیمان همگانی تعرفه و تجارت (GATT) از آن برآمد. انگیزه این پیمان، گسترش بازرگانی بین‌الملل از راه زدودن یا کاهش بازرگانه‌های تعرفه‌یی و غیر تعرفه‌یی کشورها در برابر واردات بود. این پیمان بر سودمندی بازرگانی آزاد و نظریه مزیت نسبی ریکاردو و چندسوگرایی استوار بود. با دگرگونیهای سیاسی و اقتصادی در دهه‌های پس از آن، نیاز به بهسازی این پیمان احساس شد و یک رشته گفتگوها میان اعضای «گات» صورت گرفت که به هشت دوره اصلی دسته‌بندی شده است.

مذاکرات ژنو ۱۹۴۷ (درباره کاهش حقوق گمرکی)، مذاکرات آنسی ۱۹۴۹ (پیوستن اعضای تازه و کاهش تعرفه‌ها)، مذاکرات تورکی ۱۹۵۰-۱۹۵۱ (پیوستن اعضای تازه و کاهش تعرفه‌ها)، مذاکرات ژنو ۱۹۵۶ (کاهش تعرفه‌ها)، مذاکرات دوبلین ۱۹۶۰-۱۹۶۱ (بازبینی بازرگانی در مناسبات گات و پیوستن بیشتر کشورها به آن)، مذاکرات دورکنه ۱۹۶۴-۱۹۶۷ (کاهش تعرفه‌ها)، مذاکرات توکیو ۱۹۷۱-۱۹۷۹ (کاهش بیشتر تعرفه‌ها) و مذاکرات دوراروگوئه ۱۹۹۴-۱۹۸۶ (توانمندسازی گات و گسترش راهکارهای آن به حوزه‌های تازه از جمله کشاورزی).

دوراروگوئه، درازترین دور گفتگوها بود که با رخدادهای بزرگی در جهان مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و گسترش سامانه بازار به سراسر جهان همزمان شد. در پایان این گفتگوها بود که سازمان بازرگانی جهانی (WTO) برپا شد؛ سازمانی که

پشتگرم است. WTO با برپا کردن يك سامانه فراملیتی داوری، که توانایی صدور حکم و تعیین کیفرهای سنگین برای کشورها را دارد و با وادار ساختن کشورهای عضو به پذیرش توان قانونگذاری خود، مایه کاهش توانمندیهای ملی می شود. برای نمونه،^{۴۸} در ۹ سال گذشته، اتحادیه اروپا جلوی مصرف گوشتهای هورمونی را گرفته است. WTO به تازگی نظر داده که قانون بهداشت همگانی بازدارنده گسترش بازرگانی است و اتحادیه اروپا باید قانون حفاظت بهداشتی خود را دگرگون کند، وگرنه با کیفرهای سنگین روبه‌رو خواهد شد.

آنچه گفته شد، این نکته بنیادی را برای ما روشن می کند که يك کشور پس از پیوستن به WTO، بخشی از حاکمیت خود را با دیگر اعضای سازمان به مشارکت می گذارد؛ نکته ای که کشور ما باید به آن توجه ویژه داشته باشد.

همه اینها سبب شده است که الگوی داده شده از

○ از يك صد میلیون تن فرآورده های کشاورزی تولید شده در ۱۳۸۶ سی درصد آن که می تواند نیاز خوراکی ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن را برآورد، و ارزش آن کمابیش ۵ میلیارد دلار خواهد بود، در فرایند تولید و توزیع و مصرف از میان می رود. دورریخت چشمگیر فرآورده های کشاورزی در ایران، تولید را برای برخی کشاورزان از سودآوری دور می کند، درآمد آنان را در برابر هزینه ها کاهش می دهد و از انگیزه بهره برداران برای پیگیری کارشان می کاهد. این، در حالی است که اندازه دورریزی فرآورده های کشاورزی در کشورهای پیشرفته صنعتی، نزدیک به ۵ درصد است.

بازوی سامانه سرمایه داری (نظام بازار) است؛ مرجعی توانمند برای ساماندهی روابط اقتصادی در جهان که بتواند همه بازدارنده ها بر سر راه بازرگانی آزاد را از میان بردارد و راهکارهای بازار را برای آسانتر کردن کار شرکتهای چندملیتی فراهم آورد؛ سازمانی که امروزه قوانین بازرگانی جهانی را تدوین، تصویب و اجرا می کند و به هرگونه سربچی اعضا رسیدگی می کند و حتا کشورهای غیرعضو^{۴۲} را در تنگناهایی می گذارد تا به راهکارهای WTO گردن نهند و به آن بپیوندند. امروزه، این سازمان با بیش از ۱۵۲ عضو دایم،^{۴۳} بیش از ۹۵ درصد بازرگانی جهانی را رهبری می کند و دیگر کشورها هم کمابیش در فهرست دیده بانان این سازمان قرار دارند.

این سازمان دارای منشوری است که ساماندهنده رفتار کشورهای عضو در بازرگانی جهانی است و کشورهایی که عضو این سازمان هستند، یا گرایش به هموندی این سازمان دارند، باید این منشور را بپذیرند و به کار بندند. بر این پایه، سازمان از آغاز سال ۱۹۹۵،^{۴۴} در جایگاهی قرار گرفته است که بر همه زمینه های بازرگانی جهانی (کالایی و غیر کالایی) نظارت می کند.^{۴۵} سازمان در راستای سیاستگذاری اقتصادی در پهنه جهانی، چنانچه لازم آید با صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و دیگر نهادها همکاری خواهد کرد. در واقع، بالاترین هدف از^{۴۶} بنیاد کردن سازمان بازرگانی جهانی، از میان برداشتن بازدارنده های گوناگون بر سر راه بازرگانی آزاد کالاها و خدمات و بین المللی کردن گردش و تولید کالاها و خدمات بوده است.

نکته بسیار مهم در این روند آن است که WTO به سود شرکتهای چندملیتی کار می کند^{۴۷}، به گونه ای که مقررات و دستور کارهای WTO از سوی شرکتهای بزرگ نوشته می شود که به گفتگوهای پشت پرده دسترسی دارند. برای نمونه، نماینده بازرگانی ایالات متحده (توانمندترین عضو سازمان بازرگانی جهانی) برای فراهم آوردن دانستنیهای بایسته در گفتگوهای بازرگانی، به هفده کارگروه ایزن در بخش صنایع خود

چالش دیگری که در این روند، بیشتر کشورهای در راه توسعه از جمله کشور ما با آن روبه‌رویند، این است که مقررات سازمان بازرگانی جهانی^{۵۵} به سود شرکت‌های کشاورزی بزرگ است که از ماشین‌های پیشرفته و مواد شیمیایی و بیوتکنولوژی بهره‌مندند و به‌زیان بهره‌برداران کوچک خانوادگی و کشاورزی سنتی کار می‌کنند. دست آخر اینکه، سازمان بازرگانی جهانی در پی بهسازی گام به گام ساختار اقتصادی کشورهای عضو بر پایه سامانه بازار است. بنابراین، هموندی در WTO، به معنای همپایی در هم‌چشمی سخت با بیش از ۱۵۲ بازیگر با ویژگی‌های گوناگون است. در پهنه اقتصاد جهانی، کشورها با توانمندی‌های گوناگون به هم‌چشمی با یکدیگر می‌پردازند. در این سازمان، آلهایی پیروز خواهند بود که در زمینه‌هایی به کار بپردازند که دارای مزیت نسبی در تولید کالاهای صادراتی باشند. به سخن دیگر، آینده از آن کشورهای خواهد بود که بتوانند با هزینه کمتر و کیفیت بهتر، کالا تولید کنند.

○ از آنجا که از ۱۸۰ هزار دانش‌آموخته در رشته کشاورزی تنها نزدیک به ۲۰ درصد آنان در بخش کشاورزی کار می‌کنند و بر پایه تازه‌ترین آمارها ۴۳ هزار تن بیکار جویای کار در سامانه مهندسی کشاورزی نام‌نویسی کرده‌اند و بقیه در بخش‌های غیر کشاورزی سرگرم کارند، این پرسش پیش می‌آید که چرا دانش‌آموختگان در رشته کشاورزی، به بخش خود کشیده نمی‌شوند و از این سرمایه‌های انسانی دانش‌آموخته و کاردان برای بالا بردن بهره‌وری، بهترین بهره‌گیری نمی‌شود، آنهم در حالی که بخش کشاورزی ایران از کمبود نیروی انسانی کارآمد و متخصص رنج می‌برد.

سوی WTO در پهنه سامانه بازرگانی بین‌الملل، الگویی منصفانه نباشد، زیرا بررسیها نشان می‌دهد که رابطه مبادله به سود کشورهای در راه توسعه و نادار نبوده و نیست.^{۴۹} این کشورها بیشتر تولیدکننده و صادرکننده مواد اولیه کانی و کشاورزی هستند و در سالهای گذشته بهای مواد اولیه کانی و کشاورزی در برابر کالاهای صنعتی (سرمایه‌ی و واسطه‌ی) سخت کاهش یافته است. به هر رو، کشورهای در راه توسعه عضو WTO هم تاکنون نتوانسته‌اند این پیوند نابرابر را در گون سازند یا نابرابری را کاهش دهند. پاگرفتن گروه G_۸^{۵۰} در درون WTO، بی‌سرانجامی پیمانهای دور دوحه تا پایان ۲۰۰۷،^{۵۱} از میان رفتن یارانه‌های فرآورده‌های کشاورزی کشورهای توسعه یافته و... نشان دهنده رویارویی کشورهای پیشرفته و کشورهای در راه توسعه بویژه در زمینه بازرگانی فرآورده‌های کشاورزی است. نکته درخور توجه اینکه، کشورهای پیشرفته صنعتی که از دیرباز از سیاست آزادسازی در پهنه بازرگانی جانبداری می‌کرده‌اند، در زمینه فرآورده‌های کشاورزی بیشترین پشتیبانی^{۵۲} را از فرآورده‌های کشاورزی خود می‌کنند، به گونه‌ی که به گفته پاسکال لامی^{۵۳} رییس WTO، گفتگوهای دور دوحه در ۲۰۰۸ هم با شکست روبه‌رو خواهد شد، زیرا اعضای پیشرفته و در راه توسعه بر سر چندوچون ورود فرآورده‌های کشاورزی و تعرفه‌های صنعتی اختلاف نظر چشمگیر دارند. این ایستادگیها در زمینه فرآورده‌های کشاورزی از سوی کشورهای پیشرفته صنعتی، در حالی صورت می‌گیرد که همه اعضا، بر پایه پیمان نامه دور اروگوئه و اجلاس دوحه، پذیرفته‌اند^{۵۴} که دسترسی به بازار را با از میان برداشتن تنگناهای غیر تعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌ها برای همه اعضا فراهم کنند، حمایت‌های داخلی از فرآورده‌های کشاورزی (قیمتی و غیرقیمتی) را کاهش دهند، یارانه‌های صادراتی فرآورده‌های کشاورزی را به کمترین اندازه برسانند و رفته رفته کنار گذارند، و سرانجام پذیرفته‌اند که استانداردهای بهداشتی را در مورد فرآورده‌های کشاورزی به کار بندند.

در این روند، بخش کشاورزی ایران، چه جایگاهی دارد و با چه دشواریها و فرصتهایی روبه‌رو است؟

توانمندیهای بخش کشاورزی:

از آنجا که پایه کارکرد بخش کشاورزی در بستر جهانی شدن اقتصاد، کارکردن در پهنه رقابتهای داخلی و بین‌المللی است، رمز پایداری و ماندگاری در این پهنه بستگی به اندازه بهره‌وری بخش کشاورزی دارد و اگر بهره‌وری را آمیزه‌ای از کارایی (کمترین اندازه هزینه‌ها برای تولید اندازه معینی فرآورده) و ثمربخشی^{۵۶} (داشتن نیروی انسانی کارا، برنامه و سازمان کارا) بدانیم، افزایش بهره‌وری، در گرو چگونگی بهره‌گیری از گنجایشها و عوامل تولید خواهد بود. گفتنی است که ایران کشور پهناوری است که تنها در ۱۱/۲ درصد^{۵۷} خاک آن کشاورزی می‌شود. ۷/۵ درصد زمینها پوشش جنگلی دارد، ۵۴/۶ درصد مرتع و ۱۹/۷ درصد بیابان است و ۷ درصد آبهای داخلی و مناطق مسکونی و تأسیسات را دربرمی‌گیرد. ایران، کشوری برخوردار از گوناگونی آب و هوایی است و از چهارده گونه سرزمین آب و هوایی شناخته شده در جهان، دوازده^{۵۸} گونه آن در ایران یافت می‌شود. فزون بر آن، ایران با پهناوری خاک^{۵۹} و دسترسی به انرژی ارزان، ویژگیهای مناسب برای افزایش تولید و صدور فرآوردههای کشاورزی را دارد. از سوی دیگر، استقلال^{۶۰} نسبی بخش کشاورزی با کمترین وابستگی به درآمدهای ارزی، از مزیت‌های بخش کشاورزی است. مزیت دیگر این بخش در فرآوردههای باغی^{۶۱} بویژه میوه‌های سردسیری، خشکبار، مرکبات و همچنین در سبزیها، تابستانه‌ها و پنبه است. پسته، خرما، کشمش و زعفران از فرآوردههای ارزآور کشاورزی ایران است و از دیرباز بخش بزرگی^{۶۲} از صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌داده است. این فرآوردهها، با همه تنگناهایی که بر سر راه صدور آنها وجود داشته، توانسته به بازارهای جهان راه یابد و درآمد ارزی برای کشور فراهم کند. این توانمندی^{۶۳}، با ۳۰۰ روز آفتابی در سال (جدا از کناره‌های دریای مازندران) به دست می‌آید که به

○ پایداری و سودآوری بخش کشاورزی در ایران، در گرو افزایش سهم دانش در این بخش و دگرگون شدن ساختار نیروی انسانی در این بخش است. با ساختار کنونی، بهره‌گیری از روشهای تازه و بردن دستاوردهای پژوهشی کشاورزی به کشتزارها و باغها، بسیار دشوار است. حتا شرکت‌های چندملیتی که کارگردانان روند جهانی شدن اقتصادند، به دنبال جاهایی هستند که در آن کارایی بیشتری داشته باشند و بتوانند تولید خود را با هزینه کمتر به بازار جهانی برسانند. به سخن دیگر، شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌های خود را در بخشهایی از کشورهای رو به توسعه به کار می‌اندازند که در آن بتوانند از نیروی انسانی ارزان و ماهر بهره‌گیرند. به هر رو، کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، راه را بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش کشاورزی ایران می‌بندد و این بخش با کمبود نیروی انسانی متخصص و علمی نبودن تولید، توان ماندگاری در پهنه رقابتهای جهانی را نخواهد داشت.

فرآوردههای کشاورزی (بویژه فرآوردههای باغی) کیفیت مرغوب از نظر رنگ، جنس و مزه می‌بخشد. این وضع سبب شده که کشورهای دیگر، با خرید فرآوردههای کشاورزی ما و بسته‌بندی درست و بازارپسند آنها، این فرآورده‌ها را به بهای بالاتر در بازار مصرف نهایی به فروش برسانند و این نشاندهنده ناتوانی ما در زمینه بسته‌بندی است. ایران به علت قرار گرفتن در مدار ۲۵ تا ۳۹ درجه عرض شمالی^{۶۴} یکی از کشورهای کم آب و خشک شمرده می‌شود به گونه‌ای که

کشاورزی و ۲۵ فرآورده دامی) باشد، ایران در تولید یک سوم از شمار فرآورده های اصلی جهان، ردیف نخست تا دهم را دارد و در زمینه گونه گونی تولید فرآورده های باغی، پس از چین و آمریکا، همپای ترکیه، ردیف سوم را از آن خود کرده است. در زمینه صدور فرآورده های کشاورزی، ایران در صدور^{۷۱} ده فرآورده رتبه نخست تا دهم جهان را دارد و نزدیک به ۸۵ درصد از گونه های میوه و تره بار جهان را می توان در ایران فرآوری کرد.

مکانیزه کردن بخش کشاورزی:

در دوران جهانی شدن اقتصاد و با بودن شرکتهای چندملیتی و W.T.O، مکانیزه کردن کشاورزی در ایران اهمیت ویژه دارد. برای نمونه، اگر از سنجه شمار تراکتور در هزار هکتار زمین کشاورزی بگوییم که میانگین جهانی آن ۱۷/۹ دستگاه است، ایران^{۷۲} برای هر هزار هکتار ۱۴/۸ دستگاه دارد و نروژ با ۱۴۸/۹ دستگاه بالاتر از دیگر کشورهاست. آمارها نشانگر آن است که ۶۰ درصد تراکتورها و ۴۰ درصد کمباین ها در بخش کشاورزی ایران، کار کردی بیش از ۱۳ سال دارد. فزون بر آن، سازندگان ماشینها و ابزارهای کشاورزی در ایران، به علت بهره گیری از فناوریهای گذشته، تولیدات چندان خوبی ندارند و کارنامه شان در زمینه خدمات پس از فروش و قطعه سازی هم درخشان نیست و این، نشاندهنده توسعه نیافتگی بخش کشاورزی است. این توسعه نیافتگی، به افزایش هزینه بهسازی و نگهداری ماشینها، بالا بودن مصرف انرژی و بر سر هم، افزایش هزینه های کشاورزی می انجامد و کارکرد بخش کشاورزی را غیر اقتصادی می کند.

اگر در همین زمینه، کمبود و ناکارآمدی صنایع تبدیلی کشاورزی را بیفزاییم، می بینیم که این مسایل دشواری بزرگی در فرایند تولید و مصرف فرآورده های کشاورزی و دامی پدید آورده و آن، دور ریختن فرآورده های کشاورزی است. برپایه گزارشهای^{۷۳} رسمی و غیررسمی، نزدیک به ۳۰ درصد فرآورده های

○ ناآگاهی از فنون کشاورزی پیشرفته و ساختار بازار و نیازهای آن، آشنا نبودن به روشهای امروزی بسته بندی، نگهداری، بازاریابی و به بازار رساندن، سبب شده است که بهره وری در بخش کشاورزی سخت آسیب بیند و تولید کشاورزان اندک، در آمد آنان ناچیز و پس اندازشان کم باشد. برآیند این وضع، سرمایه گذاری اندک، بهره وری پایین و کارکرد غیر اقتصادی کاربران است.

میانگین بارندگی در ۳۰ سال گذشته^{۶۵} کمابیش ۲۵۰ میلی متر بوده است (دست کم ۱۵۰ و دست بالا ۱۱۰۰ میلی متر). ولی از میانگین این بارندگیها، ۴۱۶ میلیارد متر مکعب آب به دست می آید^{۶۶} که ۲۸۹ میلیارد متر مکعب آن بخار می شود و بقیه به صورت جریانه های روی زمینی در می آید و بخشی نیز به سفره های زیرزمینی نفوذ می کند که نزدیک به ۸۲ میلیارد متر مکعب از آبهای روی زمینی و زیرزمینی مورد بهره برداری در بخش کشاورزی است. به هر رو، نبود سازه های درست جابه جایی آب، بهره دهی آبی کشور را تا ۳۰ درصد^{۶۷} کاهش داده است.

گذشته از آن، سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی، چشمگیر و بسیار مهم است. سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (GDP) ۱۱/۴ درصد است^{۶۸} و ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاهای غیر نفتی، ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد نیاز مواد اولیه صنایع را تأمین می کند و بر سر هم^{۶۹} در سه دهه گذشته، میانگین نرخ رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی ۴/۵ درصد بوده، که فراتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به بهای ثابت، یعنی ۲/۴ درصد در این دوره بوده است. اگر ساختار اصلی تولیدات^{۷۰} کشاورزی جهان در برگیرنده ۶۶ فرآورده (۴۱ فرآورده

۱۹۶۱ هزار بهره‌بردار (۴۵/۳ درصد) بی‌سوادند؛ از ۲۳۶۳ هزار بهره‌بردار باسواد نیز ۱۴۹۰ هزار بهره‌بردار (۶۳ درصد) کارنامه‌دستانی و غیررسمی دارند. شمار بهره‌برداران دارای کارنامه‌تحصیلی راهنمایی و دبیرستان ۷۳۹ هزار تن (۳/۳۱ درصد) باسوادان) و دارندگان مدرک عالی (فوق دیپلم به بالا) در رشته کشاورزی ۳۴۸۲۸ تن (۱/۵ درصد) باسوادان و ۰/۸ درصد کل بهره‌برداران) و افراد دارای مدرک عالی (فوق دیپلم و بالاتر) غیر کشاورزی ۹۹۲۱۳ تن (۴/۲ درصد) باسوادان و ۲/۳ درصد کل بهره‌برداران در بخش کشاورزی) است. بر سرهم، شمار بهره‌برداران دارای مدارک عالی یاد شده (دیپلم به بالا، تخصصی و غیر تخصصی) به ۱۳۴ هزار، برابر با ۵/۶۷ درصد بهره‌برداران باسواد و ۳/۱ درصد کل بهره‌برداران در بخش کشاورزی می‌رسد.

چنان که دیده می‌شود، ۷۸ نزدیک به ۸۰ درصد بهره‌برداران بخش کشاورزی بی‌سواد یا کم‌سواد هستند. بالا بودن بی‌سوادی بهره‌برداران، نشانگر کمبود آموزش و آگاهی در این بخش و پیامد آن، بهره‌وری اندک و اندک بودن رشد تولید کشاورزی است. از آنجا که از ۱۸۰ هزار دانش‌آموخته در رشته کشاورزی ۷۹ تنها نزدیک به ۲۰ درصد آنان در بخش کشاورزی کار می‌کنند و بر پایه تازه‌ترین آمارها ۴۳ هزار تن بیکار جویای کار در سامانه مهندسی کشاورزی نام‌نویسی کرده‌اند و بقیه در بخشهای غیر کشاورزی سرگرم کارند، این پرسش پیش می‌آید که چرا دانش‌آموختگان در رشته کشاورزی، به بخش خود کشیده نمی‌شوند و از این سرمایه‌های انسانی دانش‌آموخته و کاردان برای بالا بردن بهره‌وری، بهترین بهره‌گیری نمی‌شود، آنهم در حالی که بخش کشاورزی ایران از کمبود نیروی انسانی کارآمد و متخصص رنج می‌برد. نخستین مسأله در این زمینه، درخواست اندک برای نیروی انسانی دانش‌آموخته در بخش کشاورزی است. به دو نشان، بخش کشاورزی ایران، توان به خود کشیدن نیروهای دانش‌آموخته در رشته کشاورزی را ندارد: نخست

کشاورزی دور ریخته و از چرخه مصرف بیرون می‌رود. برای نمونه، از یک صد میلیون تن فرآورده‌های کشاورزی تولید شده در ۷۴۱۳۸۶ سی درصد آن که می‌تواند نیاز خوراکی ۱۵ تا ۲۰ میلیون تن را برآورد، و ارزش آن کمابیش ۵ میلیارد دلار خواهد بود، در فرایند تولید و توزیع و مصرف از میان می‌رود. دور ریخت چشمگیر فرآورده‌های کشاورزی در ایران، تولید را برای برخی کشاورزان از سودآوری دور می‌کند، در آمد آنان را در برابر هزینه‌ها کاهش می‌دهد و از انگیزه بهره‌برداران برای پیگیری کارشان می‌کاهد. این، در حالی است که اندازه دورریزی فرآورده‌های کشاورزی در کشورهای پیشرفته صنعتی ۷۵، نزدیک به ۵ درصد است. در آن کشورها، وجود صنایع فرآوری شده، بسته‌بندی خوب، آگاهی‌رسانی درست و روزآمد، آموزشهای تخصصی، آشنایی شهروندان با نمونه‌های درست مصرف، بودن نهادهای بازاریابی کارآمد، سرمایه‌گذاری در کارهای زیربنایی در روستاها، برنامه کنار گذاشتن فرآورده (aside set)، بهره‌گیری از روشهای سنجیده نگهداری و انباشت فرآورده و... به کاهش دورریختها انجامیده است. در کشور ما نیز خوب است که از آزموده‌های این کشورها بهره‌گیری شود؛ آزموده‌هایی که شناخته شده و در خور پیاده‌سازی است. برای بهره‌بردن از این آزموده‌ها در ساختار کشاورزی کشور، پی‌ریزی یک نهاد پژوهشی ۷۶ در زمینه کاهش ریزش فرآورده‌های کشاورزی که بتواند با مدیریت کارآمد، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند و زمینه را برای بهره‌وری بیشتر فراهم سازد، سخت‌مورد نیاز است.

نیروی انسانی در بخش کشاورزی:

پرورش و نگهداری نیروی انسانی در هر کشور و در هر بخش اقتصادی - از جمله کشاورزی - آماج و ابزار توسعه آن کشور و آن بخش شمرده می‌شود. ساختار نیروی انسانی در بازار کار کشاورزی ایران، نشان می‌دهد که از ۴۳۲۴ هزار بهره‌بردار در بخش کشاورزی ۷۷،

شده است هزینه فرصت دانش آموختگان در بخش کشاورزی به آنان پرداخت نشود و این سرمایه‌های انسانی دلبستگی و گرایش خود را به این بخش از دست بدهند و به سوی دیگر بخشهای اقتصادی بروند. چنین رویکردی، به کاهش بخشه دانش در فرایند تولید کشاورزی و پایین ماندن کارایی و ثمر بخشی و در نتیجه کاهش بهره‌وری در این بخش می‌انجامد و اندک بودن بهره‌وری، در پهنه جهانی شدن اقتصاد، پیشگیرنده حضور بخش کشاورزی ایران در بازارهای بین‌المللی است. چنان که گفته شد، پایداری و سودآوری بخش کشاورزی در ایران، در گرو افزایش سهم دانش در این بخش و دگرگون شدن ساختار نیروی انسانی در این بخش است. با ساختار کنونی، بهره‌گیری از روشهای تازه و بردن دستاوردهای پژوهشی کشاورزی به کشتزارها و باغها، بسیار دشوار است. حتا شرکتهای چندملیتی که کارگردانان روند جهانی شدن اقتصادند، به دنبال جاهایی هستند^۸ که در آن کارایی بیشتری داشته باشند و بتوانند تولید خود را با هزینه کمتر به بازار جهانی برسانند. به سخن دیگر، شرکتهای چندملیتی سرمایه‌های خود را در بخشهایی از کشورهای رو به توسعه به کار می‌اندازند که در آن بتوانند از نیروی انسانی ارزان و ماهر بهره‌گیرند. به هر رو، کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص، راه‌بر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش کشاورزی ایران می‌بندد و این بخش با کمبود نیروی انسانی متخصص و علمی نبودن تولید توان‌ماندگاری در پهنه رقابتهای جهانی را نخواهد داشت. مشکل دیگری که با این ساختار نیروی کار کشاورزی پیوند دارد، ناآگاهی کاربران در بخش کشاورزی از فرایند جهانی شدن اقتصاد، بویژه پیامدهای پیوستن به WTO است. بایسته است که شهروندان بویژه بهره‌برداران در بخش کشاورزی، درگیر این فرایند شوند و آگاهیهای بایسته، از سوی گردانندگان بخش کشاورزی به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داده شود و نیز نهادهای آموزشی و پژوهشی و دانشگاهی بیش از پیش به این موضوع بپردازند. بی‌گمان برگزاری چند

اینکه، دانش آموختگان در رشته کشاورزی، فراخور ساختار بخش کشاورزی ایران تربیت نشده‌اند. به سخن دیگر، پیوند دانشگاهها و بخش کشاورزی ایران اندک و بسیار سست است و گردانندگان بخش کشاورزی بر این گمانند که به کارگیری نیروی انسانی دانش آموخته در رشته کشاورزی، کمکی به بهبود فرایند تولید و افزایش درآمد آنان نمی‌کند، حال آنکه آزموده‌های جهانی نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری (کارایی+ثمر بخشی) و از آنجا، افزایش درآمد کشاورزان، در پرتو بهره‌گیری نیروی انسانی دانش آموخته در رشته کشاورزی رخ نموده است. بنابراین، برای از پیش برداشتن این چالش، نخست باید پیوند دانشگاه و بخش کشاورزی را بیشتر و نزدیکتر کرد تا دانشگاه نیروی انسانی آموزش دیده در خور با نیاز بخش کشاورزی ایران بی‌رود. بی‌گمان اگر تقاضا محور جانشین عرضه محور کنونی شود، بسیاری از بهترین و آماده‌ترین شرکت‌کنندگان در کنکور، رشته کشاورزی را برمی‌گزینند، ساختار و شیوه‌های آموزشی دگرگون و برنامه‌های دانشگاهی با نیازهای هر منطقه همخوان و آگاهیهای علمی و تجربی استادان بهنگام می‌شود و پیوند تنگاتنگ با هر منطقه پیدا خواهد کرد. بدین‌سان، بهره‌برداران در بخش کشاورزی خواهند پذیرفت که فراخور تولید نهایی نیروی کار دانش آموخته در رشته کشاورزی دستمزد بپردازند و به سخن دیگر، ارزش کار دانش آموختگان در رشته کشاورزی را بشناسند و دریابند که این نیرو بیش از مزد دریافتی به تولید خواهد افزود و کشاورزی را سودآور خواهد کرد. دوم اینکه سیاستگذاران در بخش کشاورزی و گردانندگان آن، برای بهره‌گیری از نیروی انسانی دانش آموخته، باید با برپا کردن کارگاههایی، به آموزش کوتاه مدت دانش آموختگان در رشته کشاورزی و آشنا کردن آنان به ساختار واقعی کشاورزی ایران بپردازند. ماندگاری کشاورزی سنتی در کشور ما، تا اندازه زیادی از علمی اداره نشدن این بخش و اندک بودن نقش دانش در فرایند تولید مایه می‌گیرد. سنتی بودن بخش کشاورزی موجب

○ به علت پایین بودن بهره‌وری و بالا بودن هزینه‌های تولید، فرآورده‌های کشاورزی ایران از توان رقابت با فرآورده‌های مشابه در بازارهای جهانی بی‌بهره است و نمی‌تواند اثر چندانی بر بازار جهانی فرآورده‌های کشاورزی بگذارد. در برابر، کشاورزان ایران، از دگرگونی‌هایی که در سایه جهانی شدن اقتصاد چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی - در بازار فرآورده‌های کشاورزی پدید می‌آید، سخت اثر می‌پذیرند. به سخن دیگر، برخورد کاربران، برخورد اثر پذیر است و از برخوردهای پویا و اثر گذار که رمز پایداری و ماندگاری در بازارهای داخلی و بین‌المللی است، خبری نیست. از همین رو، همکاری این بخش با کشاورزی جهانی کم است و نمی‌تواند از فرصتهایی که جهانی شدن اقتصاد ممکن است برای بخش کشاورزی فراهم کند، بهره‌گیرد.

۱۸/۳ درصد زمینها). میانگین زمین هر بهره‌بردار در این گروه، ۶/۵۸۵ هکتار است. بر سرهم، گروه بهره‌برداران دارای زیر ۱۰ هکتار زمین، ۳۷/۸ درصد کل زمینها (میانگین ۲/۲۱ هکتار) و ۸۶/۷ درصد کل بهره‌برداران را دربرمی‌گیرد. گروه بهره‌برداران دارنده ۱۰ تا ۲۰ هکتار زمین (۳/۹ درصد کل بهره‌برداران) دربرگیرنده ۲۹۵ هزار بهره‌بردار و ۳۷۸۸ هزار هکتار زمین (۲/۲ درصد کل زمینها) با میانگین ۱۲/۸۳ هکتار) است. گروه دارای ۲۰ تا ۵۰ هکتار زمین، با ۱۳۶ هزار بهره‌بردار و ۳۷۳۶ هزار هکتار زمین، ۳/۹ درصد بهره‌برداران را دربرمی‌گیرد (با ۲۱/۲ درصد کل زمینها و میانگین ۲۷/۵۴ هکتار

همایش و سخنرانی در این زمینه کافی نیست و آنچه اهمیت دارد، آمادگی عملی این نهادها برای کم هزینه کردن پیوستن کشور به WTO است. فزون بر آن، گسترش نهادهای غیردولتی و مردمی در این فرایند بسیار مؤثر است و کشور ما از این بابت بسیار کمبود دارد؛ نهادهایی که بتوانند خواسته‌های کاربران در بخش کشاورزی را همگرا و به‌درستی و به‌گونه سیستماتیک بازگو کنند و در راه زدودن چالشهای موجود بر سر راه پیوستن به WTO، با آگاهی‌رسانی بهنگام به شهروندان و دولت، گام بردارند.

سامانه بهره‌برداری کشاورزی:

چالش دیگری که موجب پایین بودن سطح بهره‌وری (کارایی + ثمربخشی) شده، سامانه بهره‌برداری کشاورزی است. برپایه سرشماری همگانی کشاورزی در ۱۳۸۲، بخش کشاورزی ایران^{۸۱} دربرگیرنده ۴۳۲۴ هزار خانوار بهره‌بردار و ۸۱۰۸ شرکت رسمی و سازمان همگانی است که در این میان ۸۵۱ هزار خانوار و ۱۰۳۳ شرکت و سازمان بی‌زمین هستند. همچنین، ۳۴۷۳ هزار خانوار، ۱۷۱۳۴ هزار هکتار زمین (با میانگین ۴/۹۳ هکتار) و ۷۰۷۵ شرکت، ۵۳۱ هزار هکتار (با میانگین ۷۵ هکتار) در اختیار دارند. از بهره‌برداران دارای زمین، ۱۲۰۵ هزار بهره‌بردار کمتر از یک هکتار زمین دارند (۳۴/۶ درصد بهره‌برداران دارنده زمین). این بهره‌برداران دارای ۴۰۷ هزار هکتار زمین هستند که میانگین زمین در مالکیت هر یک از آنها، ۰/۳۴ هکتار است. ۱۳۲۰ هزار بهره‌بردار، ۱ تا ۵ هکتار زمین در اختیار دارند که بر سرهم به بیش از ۳۰۲۳ هزار هکتار می‌رسد. نسبت این بهره‌برداران به کل بهره‌برداران ۳۷/۹ درصد و زمین آنها، ۱۷/۲ درصد کل زمینها را تشکیل می‌دهد و میانگین زمین هر بهره‌بردار در این گروه ۲/۳ هکتار است. گروه بهره‌برداران دارای ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار زمین، ۴۹۱ هزار بهره‌بردار را دربرمی‌گیرد که ۳۲۳۱ هزار هکتار زمین دارند (۱۴/۱ درصد کل بهره‌برداران با

○ با وجود افزایش سهم و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، این بخش از منابع سرمایه‌ی کمتری بهره‌برده است. این مسأله، شرایطی پدید آورده است که هم‌اکنون باغها، کشتزارها، دامداریها، مرغداریها، مراکز تولید و حتی، بخش بزرگی از صنایع تبدیلی کشاورزی آسیب دیده است و سخت‌نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. با ساختار کنونی بخش کشاورزی و نبود سرمایه‌گذاری در خور، امکان حضور در بازارهای یکسره رقابتی در سایه جهانی شدن اقتصاد، کم‌کم از ما گرفته می‌شود، به گونه‌ی که با همه امید و نویدهای گردانندگان بخش کشاورزی، تراز بازرگانی این بخش همچنان منفی است و در سالهای آینده، وضع از این هم بدتر خواهد شد.

زمین برای هر بهره‌بردار). گروه بهره‌برداران دارای ۵۰ هکتار زمین و بیشتر (۳۳۷۵۰ بهره‌بردار با ۳۴۷۰ هزار هکتار زمین)، نزدیک به یک درصد کل بهره‌برداران و ۲۹/۶ درصد کل زمینها را در بر دارد و میانگین زمین هر بهره‌بردار ۱۰۲/۸۳ هکتار است. چنانکه دیده می‌شود، کوچکی زمینهای کشاورزی و کمتر از حدنصاب اقتصادی بودن آنها، از ویژگیهای سامانه بهره‌برداری کشاورزی ایران است و در چارچوب جهانی شدن اقتصاد و مقررات سازمان بازرگانی جهانی - که سخت به سود شرکتهای کشاورزی بزرگ^{۸۲} و به‌زیان بهره‌برداران کوچک خانوادگی و کشاورزی سنتی است - دشواری بزرگ بخش کشاورزی ایران به‌شمار می‌آید. زیرا هنگامی که زمین خرد است، بهره‌گیری از ماشین و ابزارهای کشاورزی شدنی نیست یا بسیار ناچیز است. بنابراین، خاک‌ورزی، کاشت، داشت و برداشت در

اینگونه زمینها بسیار دشوار است. روشهای تولید در این زمینها بیشتر کاربر است و از روشهای پیشرفته تولیدی (سرمایه‌بر) در آنها خبری نیست. افزون بر آن، ناآگاهی از فنون کشاورزی پیشرفته و ساختار بازار و نیازهای آن، آشنا نبودن به روشهای امروزیین بسته‌بندی، نگهداری، بازاریابی و به‌بازار رساندن، سبب شده است که بهره‌وری در بخش کشاورزی سخت آسیب ببیند و تولید کشاورزان اندک، در آمد آنان ناچیز و پس‌اندازشان کم باشد. برآیند این وضع، سرمایه‌گذاری اندک، بهره‌وری پایین و کارکرد غیراقتصادی کاربران است. به‌علت پایین بودن بهره‌وری و بالا بودن هزینه‌های تولید، فرآورده‌های کشاورزی ایران از توان رقابت با فرآورده‌های مشابه در بازارهای جهانی بی‌بهره است و نمی‌تواند اثر چندانی بر بازار جهانی فرآورده‌های کشاورزی بگذارد. در برابر، کشاورزان ایران، از دگرگونی‌هایی که - در سایه جهانی شدن اقتصاد - چه در سطح داخلی و چه بین‌المللی - در بازار فرآورده‌های کشاورزی پدید می‌آید، سخت اثر می‌پذیرند. به‌سختی دیگر، برخورد کاربران، برخورد اثرپذیر است و از برخوردی پویا و اثرگذار که رمز پایداری و ماندگاری در بازارهای داخلی و بین‌المللی است، خبری نیست. از همین رو، همکاری این بخش با کشاورزی جهانی کم است و نمی‌تواند از فرصتهایی که جهانی شدن اقتصاد ممکن است برای بخش کشاورزی فراهم کند، بهره‌گیری کند. بنابراین، رفتن به سوی همکاری با جهان و اثرگذار بودن در بهینه جهانی شدن اقتصاد، در گرو بهسازی ساختار سامانه بهره‌برداری کشاورزی است و نخستین گام، یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی از راه برپا کردن، نیرومندی‌سازی و گسترش دادن تعاونیهای تولیدی است.^{۸۳} گام دوم، راه‌اندازی یک سامانه بهره‌برداری بازرگانی برای همکاری با جهان (دربرگیرنده شرکتهای کشت و صنعت سهامی زراعی، مزارع شخصی، شرکتهای غیررسمی، تعاونیهای تولیدی زمینهایی که یکپارچه‌سازی آنها دشوار است و...) و بهسازی یکان بهره‌بردار کشاورزی در راستای

بوده است. این ارقام، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از یک سو و توزیع ناموزون سرمایه میان بخشهای گوناگون اقتصادی از سوی دیگر را می‌رساند. به‌سختی دیگر، با وجود افزایش سهم و اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور، این بخش از منابع سرمایه‌ی کمتری بهره‌برده است. این مسأله، شرایطی پدید آورده است^{۸۶} که هم‌اکنون باغها، کشتزارها، دامدارها، مرغدارها، مراکز تولید و حتا، بخش بزرگی از صنایع تبدیلی کشاورزی آسیب دیده است و سخت‌نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. با ساختار کنونی بخش کشاورزی و نبود سرمایه‌گذاری در خور، امکان حضور در بازارهای یکسره رقابتی در سایه جهانی شدن اقتصاد، کم‌کم از ما گرفته می‌شود، به‌گونه‌ی که با همه امید و نویدهای گردانندگان بخش کشاورزی، تراز^{۸۷} بازرگانی این بخش همچنان منفی است و در سالهای آینده، وضع از این هم بدتر خواهد شد. هرچند بخش کشاورزی ایران سالانه^{۸۸} کمابیش ۳۰ هزار میلیارد ریال یارانه دریافت می‌کند که نزدیک به ده هزار میلیارد ریال آن در قالب نهاده‌های ارزان قیمت شامل کود، آفت‌کش و... به بخش کشاورزی داده می‌شود، ولی بهای تمام شده فرآورده‌های کشاورزی ایران در بسیاری موارد از بهای جهانی بالاتر است. برای نمونه، در ۱۳۸۵، بهای جهانی گوشت تنی ۲۸۰۰ دلار بوده، در حالی که بهای تمام شده این فرآورده در ایران به تنی ۴۵۰۰ دلار سرزده و این در حالی است^{۸۹} که ۴۰ درصد شهروندان توان مصرف پروتئین دامی کافی ندارند. نکته بسیار مهم این است که پولهایی که سالانه در اختیار این بخش قرار می‌گیرد، درست مدیریت نمی‌شود و بیشتر کمکهای مالی دولت، به‌گونه مقطعی و برپایه تصمیمات موردی هزینه شده است و هدف بلندمدت و ویژه‌ی راد در این زمینه دنبال نمی‌کند تا موجب افزایش بهره‌وری در این بخش شود؛ حال آنکه سرمایه‌گذاری باید با انگیزه افزایش بهره‌وری از راه نوسازی فنون تولید، بالا بردن سطح آموزش و مهارت، توسعه زیرساختها (ترابری، انبارداری، بازاریابی و...) صورت گیرد. اگر زیرساختهای بایسته، از راه

اقتصادی کردن بخش کشاورزی است. زیرا با چنین سامانه‌ی: ۱- واحد بهره‌بردار به اندازه‌ی است که بتواند از صرفه‌جویی‌های برآمده از مقیاس بهره‌گیرد، ۲- مکانیزاسیون به آسانی صورت می‌گیرد؛ ۳- علمی کردن تولید و بردن دانش به کشتزار، شکل عملی به خود می‌گیرد و در سایه این رویکردها از هزینه‌های تولید کاسته می‌شود، فرآورده افزایش می‌یابد، درآمد کشاورزان بالا می‌رود، بهره‌وری در واحد بیشتر می‌شود و سرانجام، یکان بهره‌بردار کشاورزی اقتصادی می‌شود و زمینه سرمایه‌گذاری کلان در این بخش و همکاری پویا با جهان فراهم می‌آید.

سرمایه‌گذاری:

سرمایه در افزایش تولید کشاورزی و در پی آن افزایش بهره‌وری دیگر عوامل تولید در این بخش اهمیت بسیار دارد و با افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، این بخش رشد و توسعه می‌یابد. تجربه کشورهای موفق در زمینه کشاورزی نشان می‌دهد که به‌کارگیری سازوکارهای سرمایه‌ی در کارهای گوناگون کشاورزی، به افزایش بهره‌وری عوامل تولید از جمله نیروی کار و زمین می‌انجامد و گذشته از پوشش دادن هزینه‌های نهاده‌های تولید و بار آوردن بازده در خور برای سرمایه‌گذاری، موجب گسترش صادرات فرآورده‌های کشاورزی نیز می‌شود.^{۸۴} از سوی دیگر، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، باعث پایین آمدن سطح بهره‌وری دیگر نهاده‌های تولید می‌شود و بهره‌وری اندک در سایه کمبود سرمایه‌گذاری، موجب کاهش درآمدهای مورد انتظار از طرحهای کشاورزی می‌شود. روشن است که برای سرمایه‌گذاری، نیاز به منابع سرمایه‌ای است که می‌تواند خاستگاه داخلی یا بین‌المللی داشته باشد. آمارهای داخلی، نشانگر آن است که در سه دهه گذشته،^{۸۵} سهم بخش کشاورزی ایران از تشکیل سرمایه ناخالص داخلی، به‌گونه میانگین ۴/۲ درصد بوده است، در حالی که در این دوره میانگین سهم ارزش افزوده این بخش در کل اقتصاد ۱۲/۹ درصد

بخشهای گوناگون اقتصادی - بویژه کشاورزی - را نشان می دهد.

نکته اصلی در جذب سرمایه های خارجی آن است که هر چه سرمایه گذاری خارجی در بخش کشاورزی بیشتر شود، تولید افزایش می یابد و زمینه صدور فرآورده های کشاورزی به بازارهای جهانی، بهتر فراهم می آید. با افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و افزایش صادرات فرآورده های کشاورزی، می توان سود به دست آمده از این راه را برای بالا بردن سطح بهره وری به کار گرفت، مزیت نسبی به دست آورد و با رقابتی کردن فرآورده ها، از پیوستن به سازمان بازرگانی جهانی بیشترین سود را برد. و گرنه، پیوستن به WTO، به جای سود و دارندگی، گرفتاری برای کشور و بخش کشاورزی به بار خواهد آورد. کاهش یا زدودن تعرفه ها و حذف یارانه ها - که از هدفهای این سازمان برای اعضا است - در شرایط کنونی تنگناهای زیادی برای بخش کشاورزی ما، حتا در بازار داخلی فرآورده های کشاورزی، درست خواهد کرد. بایسته است که دولت هر چه زودتر به بهسازی ساختار بخش کشاورزی بپردازد و با از بین بردن تنگناهای سرمایه گذاری در زیرساختهای بخش کشاورزی، زمینه و بستر لازم را برای حضور سرمایه گذاران داخلی و خارجی در این بخش و افزایش بهره وری فراهم کند.

نتیجه گیری

جهانی شدن اقتصاد حوزه مشترک پدید آورده است که همگرایی و یکپارچگی بازار کالاها و خدمات، سرمایه و نیروی کار، از ویژگیهای برجسته آن است. در این حوزه، با حضور شرکتهای چندملیتی، سرمایه گذاری خارجی و سازمان بازرگانی جهانی، زمینه های بسیار رقابتی در همه عرصه های اقتصادی - بویژه بخش کشاورزی - پدید آمده است. رمز ماندگاری و توانمندی هر بخش اقتصادی - از جمله بخش کشاورزی - افزایش کارایی، ثمربخشی و دست آخر، بهره وری است. بخش کشاورزی ایران، در این فضای

سرمایه گذاری آماده نشود و یکانهای کشاورزی به گونه ای کارآمد اداره نشود، کشاورزی ایران از پهنه رقابت در فضای جهانی شدن اقتصاد، کم کم به کنار خواهد رفت. به باور کارشناسان اقتصاد کشاورزی،^{۹۰} رسیدن به مرز دلخواه، نیازمند سرمایه گذاری ۵۰۰ هزار میلیارد ریالی در این بخش است تا بخش کشاورزی بتواند خود را چنان بازسازی و نوسازی کند که موجب افزایش سطح کارایی، ثمربخشی و بهره وری مورد پذیرش شود و نقش شایسته خود را در پهنه های داخلی و خارجی بیابد. برای رسیدن به این هدف، منابع داخلی سرمایه گذاری تا این اندازه در دسترس نیست و سرمایه های موجود هم چنان که باید به کار گرفته نمی شود. در نتیجه، بهره گیری از منابع خارجی برای بخش کشاورزی ضرورت می یابد. البته بهره گیری از منابع خارجی هم با چالشهایی روبه رو و نیازمند تأمین امنیت سرمایه گذاری، فراهم کردن زیرساختهای لازم برای سرمایه گذاری و... است. نبود زیرساختهای درخور برای سرمایه گذاری، موجب شده است که ایران در میان ۱۴۰ کشور منتخب، از نظر امکانات جذب سرمایه گذاری خارجی، رتبه ۵۷ را به دست آورد. این مشکل در مورد بخش کشاورزی، در سنجش با دیگر بخشهای اقتصادی (صنعت و خدمات) بیشتر به چشم می آید. بر پایه آخرین آمارها^{۹۱}، توزیع سرمایه گذاری زیربوش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی در سالهای ۸۵-۱۳۸۲، نشانگر آن است که از مجموع ۳۸۵۴۰۳ هزار دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بخش صنعت و معدن (جز نفت و گاز) با ۵۴۸۱۲۶ هزار دلار رتبه نخست را دارد و پس از آن بخشهای خدمات با ۴۶۴۹۶۶۲ هزار دلار، ساختمان و آب و برق و گاز با ۱۰۹۷۵۰۵ هزار دلار و بخش کشاورزی و ماهیگیری با ۸۵۶۱ هزار دلار (کمترین سهم از سرمایه گذاری مستقیم خارجی) قرار دارند. به سخن دیگر، سهم بخش کشاورزی از سرمایه گذاری مستقیم تنها یک درصد بوده است. این مسأله، آماده نبودن زیرساختهای بایسته برای سرمایه گذاری خارجی در

○ به باور کارشناسان اقتصاد کشاورزی، رسیدن به مرز دلخواه، نیازمند سرمایه گذاری ۵۰۰ هزار میلیارد ریالی در این بخش است تا بخش کشاورزی بتواند خود را چنان بازسازی و نوسازی کند که موجب افزایش سطح کارایی، ثمربخشی و بهره‌وری مورد پذیرش شود و نقش شایسته خود را در پهنه‌های داخلی و خارجی بیابد. برای رسیدن به این هدف، منابع داخلی سرمایه‌گذاری تا این اندازه در دسترس نیست و سرمایه‌های موجود هم چنان که باید به کار گرفته نمی‌شود. در نتیجه، بهره‌گیری از منابع خارجی برای بخش کشاورزی ضرورت می‌یابد.

کشورهای پیشرفته صنعتی، نزدیک به ۵ درصد است. در برابر این چالش، باید کارهایی چون پی‌ریزی و گسترش صنایع فرآوری شده، بسته‌بندی مناسب، آگاهی‌رسانی درست و بهنگام، آموزش‌های تخصصی، بالا بردن سطح آگاهی همگانی در مورد مصرف درست، برپا کردن نهادهای بازاریابی کارآمد، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی روستاها، برنامه‌کنار گذاشتن فرآورده، بهره‌گیری از روش‌های پیشرفته نگهداری فرآورده، روش‌های درست جمع‌آوری فرآورده و... از سوی نهادهای دست‌اندر کار صورت پذیرد.

- پرورش و نگهداری نیروی انسانی در هر کشور و در هر بخش اقتصادی - از جمله بخش کشاورزی - هدف و ابزار توسعه آن کشور و آن بخش شمرده می‌شود. ساختار نیروی انسانی در بازار کار کشاورزی کشور، نشانگر آن است که نزدیک به ۸۰ درصد بهره‌برداران بخش کشاورزی بی‌سواد یا کم‌سوادند. فزونی بی‌سوادی، تنگنای آموزش و پرورش در این بخش را

جهانی شدن اقتصاد، با فرصت‌ها و چالش‌هایی به شرح زیر روبه‌رو است:

- گستردگی^{۹۲} سرزمین، گونه‌گونی آب و هوایی، انرژی ارزان، استقلال نسبی و کمترین وابستگی به درآمدهای ارزی، انرژی فراوان خورشیدی (۳۰۰ روز آفتابی در سال)، فرآورده‌های گوناگون باغی، زراعی و دامی قابل صدور، ۱۱/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاها غیر نفتی، تأمین ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز صنایع، و وجود ۱۸۰ هزار تن دانش‌آموخته رشته کشاورزی، از مزیت‌های اصلی بخش کشاورزی ایران است.

بزرگترین مشکل کشاورزی ایران، کمبود آب است. میانگین بارشها در ۳۰ سال گذشته،^{۹۳} نزدیک به ۲۵۰ میلی‌متر بوده که کمتر از یک سوم میانگین جهانی است (کمترین ۱۵۰ و بیشترین ۱۱۰۰ میلی‌متر). از آن‌رو که برای بهره‌گیری از آب‌های کشور سرمایه‌گذارهای مناسب صورت نگرفته، بهره‌دهی آبی کشور، نزدیک به ۳۰ درصد است.

- مکانیزه نبودن، چالش دیگری است که بخش کشاورزی با آن روبه‌رو است. این توسعه نیافتگی، موجب افزایش هزینه بهسازی و نگهداری ماشینها، بالا رفتن مصرف انرژی و برسرهم افزایش هزینه‌های کشاورزی می‌شود و فعالیتها در بخش کشاورزی را غیر سودآور می‌کند. باید سرمایه‌گذاری فرآخور در این زمینه صورت گیرد و در جهت روزآمد کردن این بخش، از بین‌مایه‌های داخلی و خارجی بهره‌گیری بایسته شود.

- دورریزیهای فرآورده‌های کشاورزی، چالش دیگری است که بخش کشاورزی با آن روبه‌رو است. نزدیک به ۳۰ درصد از یکصد میلیون تن تولیدات کشاورزی در سال نابود و فاسد می‌شود که می‌تواند نیاز بیش از ۲۰ میلیون تن را برآورده سازد. این مقدار دورریزی، تولید را برای برخی از کشاورزان زیان‌آور می‌کند و موجب کاهش درآمد آنان می‌شود و کارکرد کشاورزان را غیر اقتصادی می‌کند. این، در حالی است که اندازه دورریزی فرآورده‌های کشاورزی در

کشاورزی وجود دارد، ولی بازدهی این مراکز چندان نیست که بتوانند کار آبی، ثمربخشی و بهره‌وری را در این بخش بالا برند و زمینه حضور توانمند این بخش را در پهنه جهانی فراهم کنند.^{۹۹} در سالهای گذشته، بازده طرحهای سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، از بازده سرمایه‌گذاری در دیگر بخشها مانند صنعت و خدمات کمتر بوده است.

- عامل دیگری که موجب پایین بودن سطح بهره‌وری (کار آبی + ثمربخشی) در بخش کشاورزی شده، سامانه بهره‌برداری کشاورزی است که برای از میان برداشتن نارساییهای آن، باید به کارهای زیر پرداخت:

- یکپارچه‌سازی زمینها، از راه سامانه بهره‌برداری^{۱۰۰} تعاونی یا تعاونی تولید کشاورزی.
- دگرگون کردن زمینهای زیر کشت دیم به آبی (از ۱۸ میلیون هکتار زمین زیر کشت، ۱۰ میلیون هکتار آن دیمی است).

- اقتصادی کردن نوع کشت، با توجه به تقاضای بازار.

- تلاش در راه رقابتی کردن فرآورده‌های کشاورزی کشور برای حضور گسترده آنها در پهنه جهانی و بین‌المللی، با برنامه‌ریزی تولید برای صادرات.

- راندن منابع به سمت سامانه بهره‌برداری بازرگانی (به جای معیشتی)، از راه بنیاد کردن و گسترش دادن^{۱۰۱} شرکتهای کشت و صنعت سهامی زراعی، مزارع شخصی و....

- بازرگانی کردن کشت در بهره‌برداریهای کوچک، که نمی‌توان آنها را یکپارچه‌سازی کرد.

- دست‌آختر، گذر از سامانه کشاورزی سنتی و معیشتی به سامانه کشاورزی پیشرفته از راه افزایش دادن سهم دانش در فرآیند تولید کشاورزی.

منابع و مأخذ

* طرح جلوگیری از خرد شدن زمینها و ایجاد قطعه‌های مناسب در ۱۳۸۱/۲/۶ به تصویب مجلس و پس از رفت و برگشت‌های میان شورای نگهبان و مجلس، در اواخر ۱۳۸۵ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسیده و ابلاغ شده است.

○ گسترده‌گی سرزمین، گونه‌گونی آب و هوایی، انرژی ارزان، استقلال نسبی و کمترین وابستگی به درآمدهای ارزی، انرژی فراوان خورشیدی (۳۰۰ روز آفتابی در سال)، فرآورده‌های گوناگون باغی، زراعی و دامی قابل صدور، ۱۱/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی، ۲۵ درصد اشتغال، ۲۳ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی، تأمین ۸۰ درصد خوراک کشور و ۹۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز صنایع، و وجود ۱۸۰ هزار تن دانش آموخته رشته کشاورزی، از مزیت‌های اصلی بخش کشاورزی ایران است.

می‌رساند و پیامد آن، کار آبی اندک، ثمربخشی نامناسب و بهره‌وری اندک و درآمد ناچیز کشاورزان است. تنها بیست درصد از ۱۸۰ هزار دانش آموخته در رشته کشاورزی در این بخش کار می‌کنند (نزدیک به ۴۳ هزار تن) یا به دیگر بخشهای اقتصادی کشیده شده‌اند. نظام آموزشی باید نگرش عرضه محور کنونی را به تقاضا محور تبدیل کند.^{۹۴} همچنین با بهره‌گیری از تخصص دانش‌آموختگان در رشته کشاورزی، باید زمینه کار برای آنان فراهم شود. بهره‌گیری از نیروی دانش آموخته و متخصص^{۹۵} موجب افزایش کار آبی، ثمربخشی و بهره‌وری و در پی آن، رشد و توسعه پایدار برای بخش کشاورزی خواهد شد. از سوی دیگر، از آنجا که بیش از ۹۵ درصد بخش کشاورزی کشور، در دست بخش خصوصی است،^{۹۶} بهترین جایگاه برای جذب دانش‌آموختگان در رشته کشاورزی، بخش خصوصی است که باید این دانش‌آموختگان را به سوی خود خواند.^{۹۷} اگر چه در کشور ما^{۹۸} ۲۸ سازمان و نهاد پژوهش‌های ملی، ۳۵ مرکز پژوهشی استانی، ۳۵ مرکز و مجمع آموزشی، بیش از ۳۰۰ ایستگاه پژوهشگری و نیز ۲۵۰۰ تن اعضای هیأت‌های علمی در بخش

۱۹. شفاءالدین، مهدی، انکتاد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰.
20. UNCTAD, **World Investment Report 1998**, pp 5 6.
21. Dunning, John, **What's wrong and right with trade theory**, 1995.
۲۲. وینگر، جیمز، شرکتهای چند ملیتی، ترجمه یوسف شکر خواه.
۲۳. سهیل، سید رضا، «شرکتهای فراملیتی ابزار توسعه»، تدبیر، شماره ۵۱، آذر ۱۳۸۳.
۲۴. «ایجاد دهکده جهانی اقتصادی یاراهی برای به بن بست کشاندن دولت‌ها»، اطلاعات ۸۰/۱/۲۷.
۲۵. همان.
۲۶. همان.
۲۷. شرکتهای فراملیتی، پیشین.
۲۸. شهبازی، عبدالله، «سرمایه فراملیتی»، رسالت ۱۳۸۳/۵/۳۱.
۲۹. شرکتهای فراملیتی، پیشین.
۳۰. همان.
۳۱. «تأثیر جهانی شدن بر بخش روستایی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
۳۲. شرکتهای فراملیتی، پیشین.
۳۳. Foreign Direct Investment نوعی سرمایه‌گذاری بین‌المللی است که در آن شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقر در یک کشور، سهم و منابع پایدار مرتبط با یک بنگاه مستقر در کشوری دیگر را به خود اختصاص می‌دهد.
۳۴. Foreign Portfolio Investment همه سرمایه‌گذار بهای یک شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یا مستقر در یک کشور در سهام یا اسناد بدهی یک بنگاه مستقر در یک کشور دیگر را شامل می‌شود و همه سرمایه‌گذارها در زمینه اوراق قرضه، سفته، همه ابزارهای پولی و... را در بر می‌گیرد.
۳۵. فصیحی، حبیب‌الله «معیارهای سنجش جهانی شدن»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۴-۱۹۳، ص ۱۴۵.
36. **Report of the Task Force on the Structure of Canadian Industry**, Ottawa, Queen's Printer 1998, pp. 302-301.
۳۷. کازرونی، علیرضا، «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گسترش صادرات صنعتی...»، اطلاعات سیاسی -
۱. صداقت، پرویز، «سرنوشت جهانی شدن و زمینه‌های آن»، بورس، اردیبهشت ۱۳۷۹.
۲. همان.
3. Shaw, M., "The State and Globalization: Towards a Theory of State Transformation", **Review of International Political Economy**, 1997, p. 498.
۴. واترز، مالکوم، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سازمان مدیریت دولتی، ص ۱۰.
۵. سنیرجی - هام‌لینگ، ترجمه صابر شکیبا. فصلنامه مطالعات کاربردی، شماره سوم پاییز ۱۳۸۰.
6. Economic globalization.
7. Garrett, Geoffrey, "The causes of globalization", **Comparative Political Studies**, Vol, 33, No 617, Sep 2000.
۸. سوبوتینا، تاتیانا، فراتر از رشد اقتصادی، ترجمه مهدی تقوی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵، ص ۹۳.
9. Bowen H. Betal, **applied International Trade analysis**, Macmillan.
10. UNCTAD, **World Investment Report 2001**. pp.232-234.
۱۱. ابراهیمی، رضا، «روند سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، برنامه، شماره ۲۲۰، ۲ تیر ۱۳۸۶.
۱۲. آژانس توسعه و تجارت سازمان ملل (انکتاد)، «میزان سرمایه‌گذاری خارجی»، اطلاعات ۱۳۸۶/۱۰/۲۵.
۱۳. سوبوتینا، تاتیانا، پیشین.
۱۴. یوسفی، محمدقلی، «خروج سرمایه با نیروی انسانی در ایران»، اطلاعات ۲۸ تیر ۱۳۸۶، ص ۱۸.
15. UNCTAD, 2001.
۱۶. آجیلی، عبدالعظیم، «جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه»، دهاتی، شماره ۵۰، آبان ۱۳۸۶.
۱۷. گزارش مرکز اطلاعات ملل متحد ۱۹۹۹.
18. Multinational company.
- شرکتهایی که کارکرد آنها بیرون از مرزهای کشور است، بخش مرکزی و اداره کننده آنها بیشتر در کشورهای پیشرفته صنعتی و شاخه‌ها و کارخانه‌های موتناز وابسته به آنها در کشورهای رو به توسعه پراشده است.

- اقتصادی، شماره ۱۹۶-۱۹۵، ص ۹۷.
۳۸. شفاءالدین، پیشین.
۳۹. اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۹، ص ۲۲۸.
۴۰. همان، ص ۲۲۹.
۴۱. همان، ص ۲۳۶.
۴۲. توسلّی نایینی، منوچهر، «تأثیر جهانی شدن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۷-۱۹۸.
۴۳. تسخیری، زهرا، «سازمان تجارت جهانی»، تجارت الکترونیک، شماره ۳۰، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۴۴. اطلاعات، ۸ بهمن ۱۳۷۷.
۴۵. سند نهایی دور اروگوئه «GATT»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی و سازمان تجارت جهانی و کشاورزی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۷۸.
۴۶. جهان اقتصاد، سال دهم، ۲۳ مرداد ۱۳۸۰، ص ۱۲.
۴۷. سلیمانی، زهره، «دلایل مخالفت با WTO یا Anti-WTO»، تجارت الکترونیک، شماره ۳۰، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۴۸. همان.
۴۹. جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی...، انتشارات مولوی، ۱۳۶۶.
۵۰. تایتانا موبانیتا، پیشین.
۵۱. «جهان و چالشهای اقتصادی ۲۰۰۸»، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۶/۱۰/۵.
۵۲. قریب، یوسف، «کشاورزی و سازمان تجارت جهانی»، دهاتی، شماره ۵۰، آبان ۱۳۸۵.
۵۳. «نامیدی لامی از مذاکرات دور دوحه»، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۶/۱۲/۱۳.
۵۴. مرکز اطلاعات FAO. www.FAO.org.
55. Mander, J., **Economic globalization and the environment**, Tikun 2001.
۵۶. شلینگ، لوئیس، نظریه‌های مشاوره، ترجمه خدیجه آرین، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶.
۵۷. «مجموعه گزارشهای چشم انداز توسعه ایران»، کشاورزی و صنعت، شماره ۵۹، شهریور ۱۳۸۳.
۵۸. رحمانی، مریم، «بررسی نقش صنایع تبدیلی کشاورزی در کاهش ضایعات کشاورزی»، روند، مهر ۱۳۸۵، ص ۲۰۱.
۵۹. زمانی پور، علیرضا، امکانات و موانع گل و گیاه، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۴، صص ۱۰-۵.
۶۰. همان.
۶۱. همان.
۶۲. همان.
۶۳. رحمانی، پیشین.
۶۴. زمانی پور، پیشین.
۶۵. دانشی، بهروز، «بررسی بخش کشاورزی در کاهش بیکاری»، کشاورزی و صنعت، شماره ۵۹، شهریور ۱۳۸۳.
۶۶. شمس، کیوان، «ظرفیت تولید کشاورزی تا افق ۱۴۰۰»، دهاتی، شماره ۷ فروردین ۸۳.
۶۷. سیروس، محمد، «توسعه کشاورزی و نرخ بهره»، دنیای اقتصاد، ۸۶/۳/۲۸.
۶۸. «عملکرد یک ساله وزارت جهاد کشاورزی در دولت نهم»، کشاورزی، شماره ۲۲۲، مهر ۱۳۸۵، ص ۱۴.
۶۹. رحمانی، پیشین.
۷۰. فاطمی، متین، نگاهی به جایگاه کشاورزی ایران در جهان، سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، خرداد ۱۳۸۵.
۷۱. مجموع گزارشهای چشم انداز، پیشین.
۷۲. حسینی درویشی، سید محمود، «بررسی جایگاه کشاورزی ایران در منطقه و جهان»، برنامه، شماره ۱۸۵، مهر ۱۳۸۵.
۷۳. رحمانی، پیشین.
۷۴. اسکندری، محمدرضا، «تولیدات سال گذشته»، خراسان، ۲ مهر ۸۶، ص ۵.
۷۵. شمشادی، معصومه، «کاهش ضایعات کشاورزی بر امنیت غذایی»، کشاورزی، شماره ۳۳۱، تیر ۸۶، صص ۵۸-۵۶.
۷۶. همان.
۷۷. «موانع رشد تولید و سرمایه گذاری بخش کشاورزی»، برنامه، شماره ۱۹۷، دی ۱۳۸۵، ص ۲۰.
۷۸. نهریان، حسن، «نگاه به وضعیت دانایی محور در اقتصاد ایران»، تعاون، شماره ۱۸۳، آذر ۱۳۸۵.
۷۹. مجموعه گزارشها...، پیشین.
۸۰. ابراهیمی، رضا، «روند سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران»، برنامه، شماره ۲۲۰، تیر ۱۳۸۶.
۸۱. سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۸۲، مرکز آمار ایران.
۸۲. جری ماندر، پیشین.

۸۳. خراسان، ۱۳۸۶.
۸۴. عبداللّهی، مهدی، «سرمایه‌گذاری و چالش‌های بازار مالی در بخش کشاورزی»، روند، مهر ۱۳۸۵.
۸۵. همان.
۸۶. «نامه ۵۴ تن از اساتید کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه‌های دولتی»، خراسان، ۱۳۸۶/۱/۱۸.
۸۷. اسکندری، محمدرضا، «آمار برنامه چهارم ساختگی است»، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۶/۱۱/۱۷، ص ۸.
۸۸. کلاتری، عیسی، «بخش کشاورزی ۳ میلیارد دلار حمایت دریافت می‌کند»، کشاورز، شماره ۳۳۲، مهر ۱۳۸۵.
۸۹. کلاتری، عیسی، «خودکفایی گندم سرپوشی است برای کاستیها»، صدای کشاورز، شماره ۲۱، خرداد ۱۳۸۶.
۹۰. همان.
۹۱. سازمان سرمایه‌گذاری و کمک فنی-اقتصادی ایران ۱۳۸۵، برنامه، شماره ۲۲۰، تیر ۱۳۸۶.
۹۲. نجفی، غلامعلی، «اثر تشکلهای تولیدی در بهره‌وری کشاورزی»، دهاتی، شماره ۵۱، آذر ۱۳۸۶، ص ۱۵.
۹۳. همان.
۹۴. حسینی درویشی، سید محمود، «بررسی وضعیت تحقیقات کاربردی بخش کشاورزی در برنامه چهارم»، برنامه، شماره ۲۶۲، ۸۷/۲/۱۷، ص ۱۱.
۹۵. زمانی، غلامحسین، «چالشها و راهبردهای بهبود توسعه اشتغال فرهیختگان کشاورزی»، آموزش سازندگی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۲، ص ۵.
۹۶. مظاهری، طهماسب، «بیش از ۹۵ درصد بخش کشاورزی خصوصی است»، دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷/۳/۱۱.
۹۷. زمانی، پیشین.
۹۸. حسینی درویشی، پیشین.
۹۹. مظاهری، پیشین.
۱۰۰. انصاری، حمید، نقش تعاونیها در گذر از تولید معیشتی به تولید تجاری در بخش کشاورزی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۵/۶/۱۷، صص ۳۳۰-۳۴۵.
۱۰۱. عبداللّهی، حمید، نظام بهره‌برداری کشاورزی ایران، انتشارات وزارت کشاورزی، اردیبهشت ۱۳۷۷.



آگاه شدیم که «مرکز ملی ترجمه» وابسته به وزارت فرهنگ مصر در نامه‌ای به دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در قاهره، اعلام کرده است که در راستای افزایش پیوندهای علمی و فرهنگی میان ملت‌ها، کتاب «نقش ایرانیان در تاریخ تمدن جهان» تألیف استاد عبدالرفیع حقیقت (منتشر شده از سوی مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی کومش در سال ۱۳۷۸) را به عربی ترجمه و آماده چاپ کرده است.

اطلاعات سیاسی-اقتصادی فرصت را برای قدردانی از تلاش‌های دیرپا و ارزنده مورخ و پژوهشگر برجسته، جناب آقای عبدالرفیع حقیقت، در شناساندن فرهنگ و ادب و تمدن درخشان ایرانی به جهانیان مغتنم می‌شمارد و توفیق روزافزون ایشان و مدیر محترم انتشارات کومش را از درگاه ایزد یکتا می‌خواهد.